

ورزشی و بعد در یک سوپر مارکت آغاز میکند. او عاشق رقص و کنسرت رفتن میشود و ورزشکار بسیار خوبی از کار در میاید و حتی در المپیک معلولین شرکت میکند. در سپتامبر ۱۹۹۵ در شهر هارتفورد پدر و پسر برای اولین بار در محلی عمومی که «آرتور میلر» قصد سخنرانی داشت با هم رو در رو میشوند. «دنیل» که با گروهی از دوستان خود در این مراسم حضور داشت، در حضور همه و در نهایت خوشحالی خود را در آغوش پدرش میندازد و «آرتور» هم او را بغل کرده و جلوی عکاسان با هم عکسی می اندازند. در سال ۱۹۹۶ ربکا میلر با هنرپیشه برنده جایزه اسکار دنیل دی لوییس که با هم در فیلم «The Crucible» نوشته «آرتور میلر» آشنا شده بودند ازدواج کرد. دی لوییس از همان اول علاقه و توجه زیادی به «دنیل» نشان داد و از اینکه سالیان دراز پدر زن معروفش با «دنیل» چنین رفتاری داشته است بسیار عصبانی و متقلب شده بود. این امکان وجود دارد که این داماد دلسوز سرانجام باعث عوض کردن فکر «آرتور میلر» و ربکا و بقیه فامیل نسبت به «دنیل» شد چرا که به تدریج «آرتور» از «دنیل» و وضعیت او صحبت میکرد و افتخار خود را از موفقیت پسرش در زندگی ابراز می نمود. در ژانویه سال ۲۰۰۲ اینکا مادر «دنیل» به علت بیماری سرطان فوت میکند و به تدریج وضعیت جسمی «آرتور میلر» هم به تحلیل رفته و در اکتبر ۲۰۰۴ روشن میشود که او هم به سرطان و ذات الریه مبتلا میباشد. در وصیتنامه «آرتور میلر» فقط ۳ فرزند او (به جز دنیل) به عنوان وارثین نام برده میشوند ولی کسی نمیدانست که پشت صحنه در یک حساب جدا مبلغی زیاد و ظاهراً مساوی با ۳ فرزند دیگر به «دنیل» تعلق میگردد و اینطور به نظر می رسد که پدر پیش از مرگ سعی کرده بود تا حدی اشتباهات خود را جبران نماید. خوشحالی همه بسیار زودگذر بود چرا که با این نوع وصیتنامه و واگذاری مبلغ زیاد به حساب «دنیل»، از این پس او دیگر قادر به دریافت کمک های دولتی نخواهد شد و از نظر قانونی، ایالت کانتیکات میتواند تمام مخارجی را که دولت در عرض این ۴۰ سال صرف نگهداری از «دنیل» کرده است را از او بطلبد. این مسئله دقیقاً اتفاق افتاد و هم اکنون با تشکیل دادگاه، ایالت خواستار پس گرفتن این مبلغ از Estate «آرتور میلر» است.

«آرتور میلر» که ظاهراً میخواست به پسرش استقلال مالی بدهد، چرا باز برخلاف نصایح و کلامی خود عمل کرد و ارث متعلق به «دنیل» را در حساب مخصوص کودک کان عقب مانده محفوظ نگاه نداشت؟ جواب تمام این سؤالات را حتی ربکا میلر هم ندارد و به گفته او پدرم اکنون نیست که این موارد را روشن کند. با وصف این مطالب همه میتوانیم «آرتور میلر» را آدم ضعیف و خود خواه و بی منطقی استنباط کنیم. او یقیناً دلایل شخصی خود را داشت ولی با سکوت خود، به جز این، خواننده مطلب نتیجه گیری دیگری نمی تواند بکند. این نویسنده بزرگ که پس از تولد «دنیل» اثر ارزنده دیگری را از خود به جای نگذاشت میتوانست از داستان زندگی و شکوفایی «دنیل» شاهکار دیگری را عرضه کند و درسی را که خود میتواست از پرورش «دنیل» یاد بگیرد به دیگران بیاموزد و نور امید به زندگی میلیونها والدینی که با فرزندان عقب مانده زندگی میکنند بتاباند. باعث خوشحالی است که در دوران و در کشوری زندگی میکنیم که عزت و احترام به معلولین و بیماران روانی و حقوق آنها روز بروز افزایش میابد و تعصبات اجتماعی سالهای ۶۰ که با میلیونها عقب مانده مانند آفتی رفتار میشد از جامعه زودده میشود.

فرزندان بزرگتر میلر از ازدواج اول او به نامهای جین و رابرت بدست فراموشی سپرده شدند. چهار سال بعد با تولد «دنیل» «آرتور» از خوشحالی در پوست خود نمی گنجد، ولی بزودی در میابد که پسرش به Down Syndrome مبتلا میباشد و وی این مسئله را با اشتفتگی زیاد به یکی از دوستان خود اطلاع میدهد و بلافاصله نوزاد را به یک آسایشگاه کودک کان عقب مانده انتقال می دهند. در ۴ سالگی «دنیل» به مدرسه مخصوصی به نام Sothberry در ایالت کنتیکات منتقل میشود. اینجا هر یکشنبه به دیدار پسرش می رفت، ولی «میلر» از آن پس هرگز اسمی از پسرش نبرد. مؤسسه Southberry که در سال ۱۹۴۰ تأسیس شده بود جزو بهترین انستیتوهای رسیدگی به این نوع کودک کان به شمار میرفت ولی در سالهای ۷۰ زمانیکه اسم «دنیل» در آنجا ثبت شد، با حدود ۲۳۰۰ کودک و بیمار، «دنیل» با وضعیت بسیار بدی روبرو شد و بسیاری از بچه ها ساعتها فقط با پوشک و یا برهنه در گوشه و کنار اطاقهای پرجمعیت، بدون مسئول و رسیدگی به آنها به سر می بردند. «جوآن کوپلند» خواهر «آرتور میلر» در دفاع از برادر خود گفته است که یکی از پسر دایی های آنها به نام کارل بارت که چندسالی از آرتور بزرگتر بود هم Down Syndrome داشته است و «آرتور» کارل را آدمی ناامید دانسته و رفتار مادر او را که همیشه با کارل بی رحمانه عمل میکرد هرگز فراموش نکرده است و شاید مشاهده این وضعیت باعث تصمیم گیری «آرتور» در مورد انتقال «دنیل» به آن مؤسسه بوده است چرا که فکر میکرد در آنجا بهتر به «دنیل» رسیدگی خواهد شد و دیگر اینکه در سالهای ۶۰ بنا به توصیه پزشکان، این بچه ها میبایست تحت مراقبت دائمی در مؤسسات مخصوص و دور از خانواده به سر می بردند. به احتمال زیاد «آرتور میلر» از اینکه تمام توجه زنتش به این کودک محتاج داده شود و یا در کار نویسندگی او وقفه ایجاد شود شدیداً نگران بوده و احساس شرم از داشتن فرزند عقب مانده که در آن دوران گناه بزرگی محسوب میشد او را به چنین تصمیمی وادار میکند. جالب اینجاست که اکثر آثار «آرتور میلر» به روانکاوی و مطالعه دقیق رابطه اعضای خانواده از جمله پدر و پسر و احساسات ترس و گناه اختصاص دارد و زمانیکه به زندگی خصوصی خودش نگاه میکنیم، درست بعکس عمل کرده و انسانی خودخواه و بدون احساسات جلوه میکند و انکار کردن این فرزند مکانیزم دفاعی است که «آرتور میلر» برای بقای خود انتخاب میکند. در اوایل سالهای ۸۰، زمانیکه «دنیل» ۱۷ ساله بود چند مدد کار اجتماعی به علت موفق بودن «دنیل» در موارد زندگی روزانه تصمیم میگیرند که پس از مشورت با «میلرها»، او را به خانه گروهی منتقل سازند. بنا به گفته خانم جولی بورن که وکیل برجسته دفاع از حقوق معلولین ایالت کنتیکات به شمار میرود، ترس از این بود که «آرتور میلر» با این انتقال مخالفت شدیدی ابراز کند. او که شادی و نشاط و یکتا بودن «دنیل» را به خاطر میاورد گفته است که به «دنیل» هیچ چیزی تعلق نداشت و او با داشتن یک رادیوی کوچک ناچیز عالمی داشت و به آن قانع بود و همه از خود سؤال میکردند که چگونه ممکن است که وی فرزند «آرتور میلر» باشد و چگونه این همه محرومیت، هیچ نوع اثر منفی در این نوجوان نگذاشته بود؟ خانم بورن پس از ملاقات با «آرتور میلر» متعجبانه گفت که آنها با انتقال «دنیل» به یک خانه گروهی رضایت کامل خود را داده اند.

در اواسط سالهای ۹۰ با پیشرفت چشمگیر «دنیل» با کمک دولت، او در یک آپارتمان و با یک هم اطاقی زندگی جدیدی را آغاز میکند و اولین کار خود را در یک کلوب



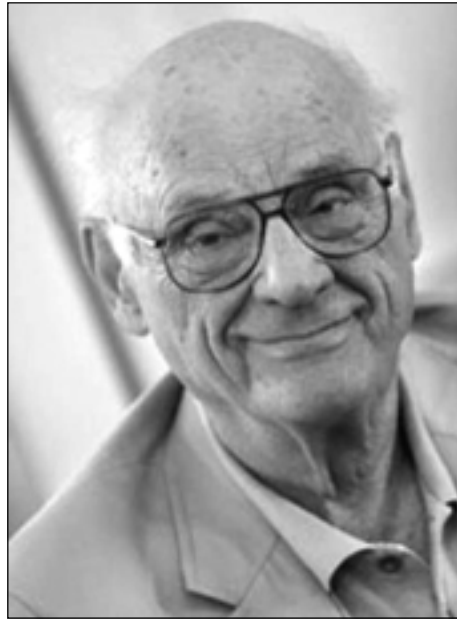
شهر فرنگ



رویا یزدی

راز «آرتور میلر»

بود هنوز هم کسی از وجود «دنیل» خبردار نمی شد. شایعه جدیدی حاکی از این بود که ایالت کنتیکات Estate «آرتور میلر» را به پرداخت ۱/۴ از ثروت و دارایی خود به «دنیل میلر» وادار کرده است که بعضی مقدار آنرا به میلیونها دلار تخمین میزنند. گروهی از دوستان «میلر» پس از شنیدن این خبر ابراز خوشحالی کرده و معتقد بودند که بالاخره حق به حقدار رسیده است و به این فرزند محروم که بنا به گفته مددکاران اجتماعی و مسئولان وی، انسانی فوق العاده هوشیار، مهربان و فعال در مقایسه با اکثریت مبتلا به



Down Syndrome به بار آمده است، رسیدگی شده است. ولی کماکان این سؤال مطرح میشود که چه انگیزه ایی باعث این تصمیم گیری دردناک و طرد این فرزند توسط پدر شده است؟ بنا به گفته دوستان «آرتور میلر»، «دنیل» نه در سال ۱۹۶۲، بلکه در نوامبر ۱۹۶۶ متولد شده است. یکسال پس از طلاق «آرتور میلر» از مرلین مونرو در سال ۱۹۶۱، او با فوت ژورنالیست اتریشی، اینگامورات همسر سومش ازدواج میکند. زنی بسیار با استعداد و فهیمه، اینکا به عکاسی از حوادث جنگ جهانی دوم و کار در کارخانه هواپیماسازی در شهر برلین اشتغال داشت. پس از چندین بمباران و مشاهده کردن هزاران قربانی زن و کودک، اینکا تصمیم میگردد که هرگز از حوادث جنگی عکس نگیرد و بنابر گفته خود او، وی فقط به دنبال سوژه های بدون نقص و دلنشین پرداخت. اولین فرزند «آرتور» و اینکا، به نام ربکا متولد سپتامبر ۱۹۶۲ با زیبایی فوق العاده اش همه را حیران کرده بود و از چشم پدر و مادری که چندان خوش چهره نبودند، این دختر یک هدیه الهی بشمار میرفت. لذا تمام انرژی و توجه والدین به ربکا اختصاص داده میشد و

شبهتی که «دنیل میلر» به پدرش دارد برای آشنایان و معدود کسانی که او را میشناسند به وضوح دیده میشود. بعضی ها معتقدند که شیطنت در چشمانش و یا پیشانی بلند وی، او را بدون شک مشابه پدرش «آرتور میلر» میسازد. تاکنون هیچ عکسی از «دنیل» در مجلات هنری چاپ نشده است و نمیتوان حدس زد که آیا کسی از پیش کسوتان هالیوود و اشخاص سرشناس بتوانند ارتباطی را بین این دو پدر و پسر پیدا کنند. چرا که اولین و آخرین باری که کسی «دنیل» را دیده است، زمانی بود که او یک نوزاد یک هفته ای بیش نبود. موقعی که در فوریه ۲۰۰۵، «آرتور میلر» که بزرگترین نمایشنامه نویس آمریکایی و قرن بیستم به شمار می رود در سن ۸۹ سالگی درگذشت، «دنیل» در مراسم تشییع جنازه پدر و بزرگداشت وی با حضور صدها دوست و ستایشگرانش حضور نداشت. روزنامه نگاران و برنامه های تلویزیونی به یادبود «آرتور میلر» و شاهکارهای وی مانند «The Crucible» و «Death of a Salesman» به بحث و گفتگو پرداختند. زمانیکه مرلین مونرو به همسری وی در آمد و به مبارزه او بر علیه جنگ ویتنام و عدم همکاری وی با سناتور مک کارتی که در سالهای ۵۰ به نام مبارزه با کمونیسم، صدها هنرمند و نویسنده را وارد «لیست سیاه» خود کرده بود، و ممانعت «میلر» در نام بردن آنها، اشاره شد. روزنامه نیویورک تایمز «آرتور میلر» را یک سمبل بشر دوستی و مسئولیت در مقابل همنوع خود معرفی کرد. فقط تعداد کمی در جمع تئاتر و هنرمندان میدانستند که «آرتور میلر» فرزند چهارمی هم دارد. آنهایی که میدانستند به دلیل احترام به او حرفی نمی زدند چرا که خود «میلر» حدود ۴۰ سال از ذکر وجود «دنیل» خودداری می کرد. او حتی در کتاب خاطرات خود چاپ سال ۱۹۸۷ و اعلامیه مرگ همسر خود اینگامورات عکاس اتریشی که مادر «دنیل» بود، باز هم سکوت را برگزید. تنها روزنامه ای که به این مسئله اشاره کرد، پس از مرگ «آرتور میلر»، روزنامه لس آنجلس تایمز بود که اعلام کرده بود «آرتور میلر» پسری داشت که هنگام تولدش در سال ۱۹۶۲ با Down Syndrome (عقب ماندگی ویسا منگولیس) بدنیا آمده بود، ولیکن مشخص نیست که آیا وی مرده یا هنوز زنده است؟! بسیاری از دوستان «آرتور میلر» از چگونگی وضعیت زندگی «دنیل» بی خبر بودند و فقط میدانستند او «دنیل» را پس از تولدش به آسایشگاه کودک کان عقب مانده در ایالت کنتیکات منتقل کرده و کاملاً او را از کانون خانواده خود خارج کرده بود. خشم دوستان خانواده «میلر» برافروخته شد و برای همگان این سؤال پیش آمد که چگونه مردی که احترام جهان را در مورد بشر دوستی و کمک به همنوع خود را بدست آورده بود چنین تصمیم بی رحمانه ای را برای نوزاد خود گرفته و او را از زندگی خانوادگی محروم کرده بود؟ اگر مسئله وصیتنامه «آرتور میلر» و تعیین وارثین وی پیش نیامده



واهیک بارونی

نامی آشنا و مشاوره مطلع در امور

خرید و فروش املاک

Residential & Commercial
www.BayAreaHomesRUs.com
vbaronian@interorealestate.com

Vahe Baronian
Realtor®
President's Circle

سروری دوستانه، سریع، مطمئن و حرفه ای

% Sales & Purchase	% Investment Properties
% Residential	% Out of State Investments
% Multi-Residential	% First-time Buyers
% Commercial	% 1031 Exchange

برای خرید و یا فروش املاک مسکونی، تجاری و سرمایه گذاری با ما تماس حاصل نمائید.

Serving Santa Clara, San Mateo, San Francisco, Alameda and Contra Costa Counties

"Guided by principles of trust, respect and integrity, we empower people to achieve their dreams"

Peninsula: (650) 622-1100
South Bay: (408) 342-3142



Fax: (650) 745-2423



Providing Dentistry For Infants to Teens For Over 25 Years!

با بیش از ۲۵ سال تجربه در دندانی پزشکی، اطفال، کودکان و نوجوانان

دکتر محمود اشرفی

دارای برد تخصصی دندانی پزشکی اطفال آمریکا استاد دانشگاه کالیفرنیا در سانفرانسیسکو

M.H. ASHRAFI, D.M.D., M.S.
Children's Dentistry
Diplomate American Board of Pediatric Dentistry, Professor of Pediatric Dentistry, UCSF

دکتر سپیده جنتی عطائی

دندانی پزشکی عمومی

Sepideh Jannati Ataei, D.M.D., D.D.S.
General Dentistry

انجام کلیه امور دندانی پزشکی (زیبائی، ترمیمی و پیشگیری)

- State of the art, digital office
- Interceptive Orthodontics
- Hospital Dentistry (UCSF)
- Nitrous Oxide (Laughing Gas)
- Conscious Sedation and in Office General Anesthesia

www.smiles4kidz.com

Most Insurance Plans Accepted

اکثر بیمه های دندانی پزشکی پذیرفته میشود

(925) 820-0303

1501 Bollinger Canyon Road, San Ramon, CA 94583